

توحید در نگرش سلفیه جهادی و بررسی پیامدهای آن

عباسعلی فرزندی^۱

محمد مهدی فرمانیان^۲

محمد علی نیازی^۳

چکیده

اگرچه اصل توحید از باورهای مشترک همه فرق و جریان‌های اسلامی است اما تفسیرهای لفیه جهادی که یکی از جریان‌های فعال در دنیای اسلام است، قرائت خاصی از توحید ارائه کرده و چهره متفاوتی را از اسلام به نمایش گذاشته است. اندیشه توحیدمحورانه این گروه وحدت و همزیستی مسالمت آمیز را دشوار ساخته و جامعه اسلامی را به ناامنی کشانده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه تعریف بزرگان سلفیه جهادی از مفهوم توحید پرداخته و نتایج و پیامدهای آن را مورد نقد و بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه تکفیری این گروه جهان اسلام و به تبع آن همه جامعه بین‌الملل را گرفتار بحران جنگ و ناامنی ساخته است. پیامدهای امنیتی و دفاعی اندیشه توحیدی سلفی به دو بخش پیامدهای درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. پیامدهای درونی اندیشه توحیدی سلفیه جهادی عبارتند از: توسعه معنایی و مصداقی شرک، عمل‌گرایی محض و افراطی، عدم رعایت قواعد جنگ و ایمان اجباری؛ و پیامدهای بیرونی آن عبارتند از: ترویج خودکشی، یکسان‌انگاری موحد با تروریسم و عدم تحقق تمدن اسلامی.

واژگان کلیدی

توحید، سلفیه جهادی، تمدن اسلامی، شرک، پیامدهای امنیتی - دفاعی.

1. استاد یار دانشگاه امنیتی ملی.
Email: abbasali_farzandi@yahoo.com

2. دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب.
Email: m-farmania@chmail.com

3. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول).
Email: dr.niazi204@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

طرح مسأله

اندیشه توحید محوری در اسلام جایگاه خاص و ویژه‌ای در تاریخ بشریت دارد. و امنیت دنیوی و معنوی، سعادت و شقاوت انسانها در سایه تفسیر صحیح از اندیشه توحید معنا پیدا می‌کند. قرائت و تفسیرهای متفاوت از توحید دارای تبعات خاصی است و امنیت حقیقی ناشی از تفسیر و تعریف درست از توحید ناب محقق می‌گردد. در سایه قرائت متفاوت از توحید در قرن‌های اخیر با قرائت خاص محمد بن عبدالوهاب از توحید موجب تکفیر و ریخته شدن خون بسیاری از مسلمانان شد. در عصر حاضر نیز سلفیه جهادی با قرائت خاص و متفاوت از توحید، خون بسیاری از مسلمانان را در سایه همین تفسیر و با سلاح جهاد ریخته است. در راستای اندیشه‌های جهادی کتب متعددی به همت اندیشمندان کلامی و مذاهب نگاشته شده است اما آنچه در نگارش این پژوهش مطرح شده است قرائت متفاوت جهادیون از توحید و پیامدهای آن است که تا کنون با این رویکرد به آن پرداخته نشده است.

سلفیه جهادی که به زعم خود مسلمان حقیقی هستند و غیر خود را تکفیر می‌کنند، تعریفی متفاوت از دیگر مسلمانان ارائه می‌دهند و این تفسیر خود را توحید ناب می‌دانند. به تبع همین قرائت از توحید سلفیه جهادی در عصر حاضر توحیدی محوری متفاوتی در عرصه دنیای اسلام و عرصه بین‌الملل از توحید ناب را شاهد هستیم. اسلامی رادیکال ثمره قرائت سلفی‌های جهادی از توحید ناب است. در حالیکه توحید ناب و اصیلی و حقیقی در سایه تفسیر درست آن ارتقاء امنیت در حوزه فردی اجتماعی، اعتقادی، و.. یعنی شکل‌گیری امنیت با تمام ابعاد آن را دربر دارد.

سلفیه جهادی هر تفسیری متفاوت از خود را تکفیر و شرک و کفری که سلفیه جهادی در سایه تعریف از توحید به آن معتقد هستند، تمام ابعاد جامعه اسلامی و بین‌الملل و زندگی فردی و اجتماع و شئون مدنی را دربر می‌گیرد.

متفکران سلفیه جهادی که با اعلام خلافت جهانی برای خود قدرتی را متصور می‌- دانند، تمام مسلمانان را ملزم به تبعیت از خود می‌کنند. سرعت انتقال این تفکر توحیدی با بی‌ثبات کردن جامعه اسلامی و حمایت مستبدان ظالم روز به روز دو چندان می‌شود. آنچه

این پژوهش در پی آن است بررسی اندیشه توحیدی سلفیه جهادی و پیامدهای آن را در عرصه جهان اسلام می‌باشد. توحید و شرک در قرائت سلفیه جهاد چگونه است و این قرائت از توحید دارای چه پیامدهای است در ادامه به پژوهش به قرائت توحیدی جهادیون و پیامدهای آن پرداخته خواهد شد.

قرائت سلفیه جهادی از توحید

بسیاری از انیשמندان معتقدند سلفیه جهادی به نحوی از اندیشمندانی چون سید قطب متأثرند. سید قطب در تفسیر توحید می‌گوید: «توحید، اطاعت و پرستش خدای یگانه است، بدون هیچ شریکی». همچنین درباره حقیقت توحید می‌گوید: «التَّوْحِيدُ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي بَعَثَ بِهِ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ». (قطب، ۱۴۱۲: ۴/ ۱۸۹) یا می‌گوید: «التَّوْحِيدُ هُوَ عِبَادَةُ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَنْ لَا تُعْبَدَهُ إِلَّا بِمَا أَحَبَّهُ وَمَا رَضِيَهُ». (همان، ۱۴/ ۳۷۸)

سید قطب، حقیقت توحید را به گونه‌ای با توحید عملی پیوند می‌زند و ذیل آیه (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ) گام اول برای توحید را اقرار به شهادتین می‌داند و می‌گوید: «خداوند متفرد به الوهیت و قوامیت است و نخستین چیزهایی که مستلزم اقرار بدین حقیقت است، اقرار به عبودیت خداست و بس»؛ و بعد گامی فراتر از اقرار برمی‌دارد و می‌گوید: «فقط اقرار به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بدان هم عمل کنیم» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۵)

قطب که یکی از نظریه پردازان جهادی است توحید را به سه قسم: ۱. توحید ربوبی؛ ۲. توحید الوهی؛ ۳. توحید در اسما و صفات تقسیم کرده است. در نظر وی توحید ربوبی همان توحید افعالی خداوند است و توحید اسما و صفات اشاره به توحید ذاتی و صفاتی دارد. نکته مهم این است که ابن تیمیه توحید الوهی را به معنای توحید در عبادت گرفته و اله را به معنای معبود دانسته و گفته: «وَالْعِبَادَةُ مَأْمُورٌ بِأَنْ يُعْبَدَ اللَّهُ وَ يَفْعَلَ مَا أُمِرَ بِهِ، وَهُوَ تَوْحِيدُ الْأَلُوْهِيَّةِ» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۲۱) ولی از عبارات سید قطب چنین استفاده می‌شود که وی توحید را از دو منظر تقسیم کرده است: ۱. توحید در عقیده؛ ۲. توحید در عمل، و نیز به نظر وی توحید در عقیده به دو قسم توحید در ذات و توحید در صفات، و توحید در عمل نیز به دو قسم توحید در افعال و توحید در عبادت تقسیم می‌شود. (سید قطب، ۱۴۱۲،

ج ۶، ص ۴۰۰۲)

ابومحمد مقدسی با استناد به ابن تیمیه در بحث توحید می‌نویسد: «ما می‌خواهیم محبوب‌ترین اصل را که همان توحید است، با قوی‌ترین راه، یعنی جهاد، یاری کنیم تا توحید در زمین اقامه گردد». (مقدسی، بی‌تا: ۲)

آنچه در توحید صفاتی از منظر سید قطب سزاوار بررسی است، توحید ربوبی و توحید در حاکمیت است. واژه «رب» به اعتقاد مفسران پیوندی ناگسستنی با تمام معارف قرآن دارد، و مدار تبلیغ پیامبران و محور درگیری آنان با دشمنان از دیدگاه سید قطب است. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۴۵) وی در تعریف کلمه «رب»، آن را به معنای مالکی دانسته است که در همه امور مملوک خود تصرف می‌کند تا به اصلاح و تربیت آن پردازد. (همان، ج ۱: ۲۳) سید قطب توحید در ربوبیت را جدا از توحید در حاکمیت نمی‌داند و معتقد است ربوبیت خداوند به معنای قیمومت و حاکمیت بر انسان‌هاست و اداره زندگی انسان‌ها با شریعت و فرمان خداوند باید تفسیر شود. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۹۶۰) لذا در تفسیر لاله الا الله می‌گوید: یعنی لا حاکم الا الله و لا مشرع الا الله و ... (همو، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۰۰۶؛ همو، بی‌تا: ۱۹)

سلفیون معتقدند اصطلاح حاکمیت، در سلف به کار نرفته، بلکه در دوره متأخر به وجود آمده که علمای سلفی چون صالح العثیمین (عثیمین، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۰۳۱) آن را به «ما انزل الله» تعبیر کرده‌اند.

سید قطب معتقد است توحید فاعلی خداوند نشئت گرفته از حقیقت وجودی اوست.

پس غیر او هیچ فاعلی در این وجود نیست (همان، ج ۶، ص ۴۰۰۲)

تمرکز تفکر توحیدی سید قطب، توحید در حاکمیت است و آن را راه پیوند توحید نظری و قلبی به توحید عملی می‌داند و معتقد است الاه، واحد است و فاعل فقط اوست. لذا حاکم و سلطان فقط اوست و فقط او باید اطاعت و پرستش شود (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۰۴). از نظر وی، ماهیت عبادت فقط انجام فرائض و اعمال شعائر نیست، بلکه عبادت به معنای تبلور بندگی در حاکمیت خداوند است. او می‌گوید: عبادت منحصر در معنای انجام شعائر و مراسم پرستش و بندگی نیست؛ چراکه اگر چنین می‌بود، شایسته نبود این

همه پیامبر برای آن بیایند و آن همه تلاش و کوشش و رنج‌های طاقت‌فرسا صرف آن گردد. آن چیزی که سزاوار این بهای سنگین است، بیرون آوردن همه انسان‌ها از پیروی بندگان و برگرداندن ایشان است به سوی خدای یگانه در همه کارها و در سراسر برنامه‌های زندگی این جهان و آن جهان. پیامبران برای توحید الوهیت، توحید ربوبیت، توحید حاکمیت و توحید برنامه زندگی آمدند (همان، ج ۶، ص ۷۵۷) به نظر وی، انکار توحید حاکمیت، به اطاعت و پرستش طاغوت‌ها و قوانین غیرشریعت الهی می‌انجامد و این نیز با فطرت انسان‌ها که فقط خاستگاه خدای واحد است، منافات دارد (همان، ج ۴، ص ۱۹۶۰) وی هر نوع اطاعت از کسی یا دل‌بستگی به چیزی را منافات با حاکمیت و سلطنت خداوند قلمداد می‌کند و آن را عبادت و پرستش کردن غیرخدا می‌شمرد. (همان، ج ۶، ص ۷۶۶)

طرطوسی در بحث ایمان می‌گوید: ایمان اعتقاد، قول و عمل با هم است و این‌ها از هم جدا نیستند (ابوبصیر طرطوسی، *مُضْطَلَّحَاتُ وَ مَفَاهِيمُ شَرْعِيَّةٌ*: ۵۷) همچنین او می‌گوید: تنها از منظر اعتقاد و زبان نیست که ایمان و کفر ثابت می‌شود بلکه اعتقاد، زبان و عمل همه با هم ایمان یا کفر به طاغوت را شکل می‌دهند نه به تنهایی (ابوبصیر طرطوسی، هذه عقیدتنا، ص ۱۷۲) این مطلب حاوی این نکته است که اگر فردی صرفاً عمل کفر آمیزی مرتکب شود ولی مادامی که مستحل حکم خدا نبوده و قصد انکار خدا را نداشته باشد او تکفیر نمی‌گردد. این در حالی است که برخی چهره‌های تندرو سلفی جهادی مانند: ابو محمد مقدسی عمل کفرآمیز را به تنهایی متهم به کفر اکبر می‌کنند. (همان: ۲۵۳)

ایمن الظواهری حاکمیت را از لوازم توحید می‌داند و می‌گوید: «حاکمیت اصلی‌ترین ویژگی الوهیت خداوند را دارد» و می‌گوید توحید جدای از حاکمیت شریعت نیست. جمله «لا إله إلا الله» را به معنای اعلام جنگ با تمام طاغوت‌ها دانسته است. وی با استناد به روایت نبوی «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله»، معتقد است بر پا داشتن توحید و جمله «لا إله إلا الله» جز با جهاد محقق نمی‌شود» (عبدالرحیم علی، ۲۰۰۵: ۳/ ۱۰۸ - ۱۰۹).

ابومحمد مقدسی در تبیین توحید؛ توحید و حاکمیت خداوند را اصل اصول دین و

هدف آفرینش و بعثت انبیا می‌داند که همه نزاع‌ها در دنیا برای آخرت صورت گرفته است (همان).

ابوقتاده فلسطینی توحید را به اعتبارهای مختلف تقسیم‌بندی می‌کند: به اعتبار فاعل به توحید ارادی و توحید علمی خبری تقسیم می‌کند. ایشان درباره این دو قسم این گونه می‌نویسد که: توحید ارادی را به: یفعله المسلم لواحد، و توحید علمی خبری را به فعل و اسماء و صفات تعریف می‌کند. (ابوقتاده فلسطینی، بی تا: ۱۳/۱)

ابوقتاده به اعتبار مجرای ایمان، توحید ارادی را همان قول و عمل قلب و توحید علمی و خبری را عمل قلب تعریف می‌کند. وی معتقد است این دو تقسیم‌بندی را بر اساس روایات و آیات انجام داده است. ابوقتاده بر اساس رد اهل بدعت، توحید را به سه قسم دیگر نیز تقسیم می‌کند که عبارتند از: توحید عبادی، توحید ربوبی و توحید اسماء و صفات. (همان) وی در ادامه تعریف این قسم از توحید، ارکان سه‌گانه‌ای برای آن بیان می‌کند و می‌نویسد: «من حاد عنها لم یکن موحداً ربه فی أسمائه وصفاته» (همان) و توحید با قرائت خود را انحصاری و مخالف خود را تکفیر می‌کند. وی همچنین با استناد به قول خطیب بغدادی می‌نویسد که علم توحید بر همه واجب است و خصوصی نیست و برای جهل از کسی دلیلی پذیرفته نیست. (همان: ۸۰)

زرقاوی درباره اصل توحید می‌گوید توحید همان ایمان به خدا و کفر به طاغوت است و با عبارت «لا إله إلا الله» خود را جلوه می‌دهد که به دو بخش تقسیم می‌شود: عبارت «لا إله» که هرگونه پروردگاری و الهی، با این عبارت نفی می‌شود و هرگونه نماز و روزه و دیگر عبادات فقط برای خداوند یکتاست؛ و عبارت: «إلا الله» که اثبات خداست و در هر عبادتی اعم از کوچک یا بزرگ آن باید اطاعت شود (زرقاوی، ۲۰۰۶: ۴ و ۵).

قرائت سلفیه جهادی از شرک

شرک در قرائت سید قطب اینگونه تبیین می‌گردد که: شرک به خداوند به مجرد اعطای حق تشریح و حاکمیت برای غیر خداوند تعالی محقق می‌شود؛ اگرچه به الوهیت خداوند اعتقاد داشته باشند» (قطب، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۴) با توجه به اندیشه حاکمیت در قرائت توحید معتقد است اگر کسی حاکم و سلطانی به غیر خداوند را اتخاذ و از او پیروی

و اطاعت کند، مشرک است (همو، بی تا: ۳۹) سید قطب در جای دیگری می گوید: «قرآن از قوانین اجتماعی و احکام زمینی که امروزه بر این کره خاکی حاکم می شود تعبیر به شرک می کند و این شرک با همان شرک بت پرستان یکسان است؛ چون شرک در اعتقاد با شرک در شعائر فرقی نمی کند و همه آنها خروج از توحیدی است که از آن به لاله الا الله تعبیر می شود»؛ (همان، ج ۳: ۱۴۱۴) و با تکیه بر همین قرائت از توحید بدون هر گونه دعوتی به توحید هجرت و جهاد را برای تمام حاکمان و مسلمانان جهان دستور می دهد.

معذوریت جاهلان به توحید

گرچه طرطوسی برخلاف بسیاری از گروه های تکفیری که راه افراط را در مسائل عقیده طی کرده اند، معتقد است که جاهل قاصر و فرد تاویل کننده معذورند. او در این باره می گوید: و نَعذر - عملاً بالنصوص الشرعية و أقوال أئمة العلم - بالجهل المعجز الذي لا يمكن دفعه. و بالتأويل المعتبر (ابوصیر طرطوسی، هذه عقیدتنا: ۱۷) ما معتقدیم جاهلی که عجز از یادگیری دارد و تاویل کننده که تاویل صحیحی داشته است معذور هستند. همچنین او معتقد است فرقی ندارد این افراد چه در اصول مسائل دینی چه در فروع مرتکب معصیت شوند، معذور هستند، بنابراین، کسی که عجز از پذیرش اسلام دارد چه در منطقه دور یا نزدیک از اسلام باشد چه در اصول باشد یا فروع معذور است. (همان) اما این افکار او با افکار با جهادیون دیگر مانند داعش در تعارض است آنها هیچ فردی را معذور نمی دانند. گروه های جهادی در بحث تکفیر جاهل اختلافاتی دارند و تقسیمات مختلفی ارائه نموده اند. با این حال، اغلب آنان در تکفیر جاهل افراط کرده و جاهل را مانع تکفیر نمی دانند. آنان مسائل دینی را به دو دسته تقسیم می دانند.. مسائل ظاهره؛ شامل: ۱. مسائل اعتقادی مانند: اصل خدا شناسی و توحید. ۲. احکام ظاهره دین مانند: نماز، روزه، زکات، حج و... است. سلفی های جهادی بر این باورند که اگر کسی در بین مسلمانان زندگی کند، در اصل خدا شناسی و مسائل مربوط به توحید و شرک معذور نیست. ایشان در مورد احکام ظاهره نیز معتقدند اگر کسی در بین مسلمانان زندگی کند، تنها در دو صورت معذور است و تکفیر نمی شود. اول: تازه مسلمان باشد. دوم: در بادیه و دور از اجتماع مسلمانان زندگی کند (مقدسی، نکات اللوامع فی ملحوظات الجامع: ۱۰) آنان مدعی

هستند با گسترش علوم اسلامی و در دسترس بودن وسایل ارتباطی دیگر کسی نمی تواند ادعا کند در امور دینی جاهل بودم. پس عذر او پذیرفته نیست.

سلفیان جهادی در مسائل خفیه جاهل را معذور می دانند و می گویند باید حجت بر او اقامه شود. در حالیکه در عمل اینگونه نیستند. انهادر این بحث به روایت عایشه استناد می کنند که به رسول الله گفت: «یا رسول الله! ابن جدعان در زمان جاهلیت صله رحم می کرد و به فقراء غذا می داد. آیا این کارها برای او سودی دارد؟ پیامبر فرمود: نه! این کارها برایش فایده‌ای ندارد زیرا او هیچ روزی نگفت: ای خدا گناهان مرا ببخش.» (مسلم، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۲۱۴) در این روایت رسول خدا، کسانی از عصر جاهلیت که اعمال نیکی انجام می دادند اما چون پیامبر نداشتند و نسبت به توحید جاهل بودند را از اهل جهنم می داند. تکفیری‌ها با استناد به این روایت جاهل را معذور ندانسته و او را تکفیر می کنند. (مقدسی، النکت اللوامع فی ملحوظات الجامع: ۱۰)

تکفیر در نگاه سلفیه هادی

طرطوسی می گوید حاکمانی که شرائع و قوانین غربی را جایگزین قوانین اسلامی می کنند کافر هستند و حاکمی که حکم خدا را رد می کند به دلائلی همچون انکار و عناد با خدا و حلال شمردن حکم خدا تکفیر و مشرک می دانند. است.

ملاک تکفیر حاکم از سوی طرطوسی عبارت است از: حاکم خودش را شریک خدا در خصوص تشریح و قانون گذاری بداند. دوم: تقدم قوانین طاغوت بر شرع خدا. سوم: رد حکم خدا به خاطر کبر یا انکار یا عناد یا بی میلی یا حلال دانستن. چهارم: حاکم به جنگ شرع خدا برود. چهارم: حاکمی که با دشمنان اسلام علیه امت اسلام دوستی کند. (ابوبصیر طرطوسی، هذه عقیدتنا: ۱۳) با این ملاکهایی که او بر شمرده است، به نظر نمی آید حاکمان کشورهای اسلامی محکوم به کفر شوند. چرا که حاکمان نه خود را شریکی برای خدا می دانند نه قوانین طاغوت را برتر و مقدم بر قوانین خدا می دانند نه به انکار یا عناد یا رد حکم خدا معتقدند و نه قصد جنگ با شریعت دارند. در حالی که ثمره تفسیر جهادیون از توحید تکفیر حاکمان اسلامی است.

یکی از اعتقادات سلفی‌های جهادی تکفیر اندیشه دموکراسی است. طرطوسی معتقد

است قائلین به دموکراسی کافر هستند و استدلال او این است که پذیرش دموکراسی، پذیرش الوهیت و حاکمیت مخلوقات خدا است و این به معنای بالابردن اراده و حکم انسان بر اراده و حکم خداست که این کار به منزله کفر و خروج از دین است. او همچنین می‌گوید: کسی که معتقد به دموکراسی به این مفهوم در بلاد غرب مرسوم است یا کسی که دیگران را به آن دعوت نماید یا به آن راضی باشد او کافر و مرتد است. (ابوبصیر طرطوسی، هذه عقیدتنا: ۱۲ و ۱۳) در اشتباه بودن کلام او همین جمله کافی است که او مدعی است پذیرش دموکراسی به معنای پذیرش الوهیت و حاکمیت بشر است. و همه می‌دانیم که الوهیت به معنای خدایی کردن خداست و اکثر قریب به اتفاق یا همه کسانی که دموکراسی را پذیرفته‌اند به معنای الوهیت یا حاکمیت مطلق به دموکراسی نگاه نکرده‌اند بلکه آن را از باب این پذیرفته‌اند که ضرورت روابط اجتماعی ایجاب می‌کند برای تعامل و ارتباطات اجتماعی که مخالف شرع هم نیست قانون گذاری شود.

طرطوسی کسی که سکولاریسم یاری نماید و با مخالفان این مکتب فکری دشمنی نماید یا حکم به تایید سکولاریسم کند کافر مشرک قلمداد می‌کند. (ابوبصیر طرطوسی، هذه عقیدتنا: ۱۲) این ادعا نیز اسلامی نبوده و صحیح نمی‌باشد. چرا که ملاک در تکفیر افراد، جحد و انکار حکم خداست و بسیاری از سکولارها یی که برخی قوانین اسلامی را در این زمان اجرایی نمی‌دانند و این عملشان نیز به دلیل انکار خدا نیست. و فردی که این گونه است متهم کردنش به تکفیر روا نیست.

طرطوسی تارک صلاه را هم را تکفیر می‌کند، حتی اگر او فرائض دیگر را نیز انجام دهد. (همان: ۱۱)

طرطوسی همچنین یاری و کمک کفار را از اقسام کفر می‌داند (همان: ۱۰) این در حالی است که در اسلام دوستی و محبت به کفار منع شده است نه هر همکاری و تعاونی. او با خلط بین واژه موالات و تعاون به تکفیر یاری کنندگان کفار فتوا داده است. در حالی که در نحوه استدلال به حرمت موالات با کفار استناد کرده است و این افراد را خارج از ملت اسلام می‌داند. (همان: ۱۲)

طرطوسی در کتاب شیعه روافض طائفه شرک و رده که در آن به ادعاهای واهی علیه

شیعه پرداخته و آنان را متهم به تحریف قرآن و تکفیر صحابه نموده است و این نظر او خلاف علمای مشهور شیعه است.

طرطوسی دعا، استغاثه و طلب یاری عبادت را شرک تلقیمی کند و می‌گوید: خواندن و استغاثه نمودن و طلب یاری و مدد عبادت محسوب می‌گردد و از خاص‌ترین مصادیقی است که داخل در معنی و مسمای عبادت می‌شود. پس کسی که غیر خدا را بخواند او را عبادت کرده و مشرک شده است (ابوبصیر طرطوسی، *مُصْطَلَحَاتُ وَمَ فَاهِيمُ شَرْعِيَّةٌ*: ۲۷) اما باید توجه داشت که صرف طلب یاری کردن از دیگران بدون اعتقاد به الوهیت او منجر به کفر و شرک نمی‌شود. که اگر این گونه بود درخواست مردم از یکدیگر باید شرک محسوب می‌شد یا انجام امور خارق العاده توسط اولیاء الهی مانند حضرت عیسی ع چون کار خدایی است شرک محسوب می‌گشت. او کسانی که به سوی اموات روی می‌آورند و از آنان استغاثه کرده و درخواست می‌کنند را تکفیر می‌کند و استدلال او این است که دعا عبادت است و عبادت تنها برای خدا جایز است نه برای غیر خدا. از این رو این اعمال کفر آمیز است. (ابوبصیر طرطوسی، *هذه عقیدتنا*: ۱۲). بانبر این بیان حضرت رسول (ص): *وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ* هر دعایی عبادت نیست در صورتی که پیامبر شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند، (آل عمران: ۱۵۳) در اینجا دعا به معنای خواندن است نه به معنای عبادت کردن. آیاتی که جهادی‌ها بدان استناد می‌کنند تا نشان دهند که واژه‌های دعای بکار رفته در آنها عبادت است این آیات مربوط به مشرکین است که به عبادت بت‌ها می‌پرداختند. ضمن اینکه دعا در جایی عبادت است که خواننده، مدعو را به عنوان ربوبیت در نظر بگیرد و او را رب بداند.

سید قطب با توسعه مصادق شرک با استناد به آیات می‌گوید:

فرعون بدین معنا ادعای الوهیت نمی‌کرد که او آفریدگار جهان و گرداننده آن است، یا اینکه ادعا کند که او در جهان، سلطه و قدرتی در زمینه اسباب و علل دارد؛ بلکه او ادعای الوهیت بر قوم ذلیل و حقیر خود را داشت. بدین معنا که او با شریعت و قانون خود، فرمانروای این ملت است و با اراده و فرمان او کارها انجام می‌گیرد. بنابراین هر فرمانده و صاحب منصبی که با شریعت و قانون بشری حکومت کند، و با اراده و فرمان او کارها

انجام گیرد، معنای لغوی و اصطلاحی رب را تداعی می‌کند. (قطب، ۱۴۱۲: ۳/۱۳۵۳)

در قرائت سید قطب اگر فرعون ادعای ربوبیت یا الوهیت کرد، از باب وضع قانون و ادعای حاکمیت بر مردم بوده است؛ نه از باب خالقیّت عالم. در جایی دیگر می‌گوید:

«مسئله الوهیت، محل انکار مشرکان نبود، به این معنا آنها معترف بودند که خداوند تعالی روزی دهنده، زنده کننده، ... و گرداننده جهان هستی است و بر هر چیزی توانا است، ولی این اعتراف آنها مقتضیات خود را به دنبال نداشت، چراکه از مقتضیات اعتراف به الوهیت یزدان - با این صفات و خصالی که گذشت - این است که در زندگانی ایشان ربوبیت فقط متعلق به خدا باشد و فقط خدا پرستش شود، و برای جز او بندگی و کرنش نشود و نباید در همه امور زندگانی خود جز او را حاکم و قاضی بکنند و فرمانروا بدانند.

(همان: ۳/۱۷۶۳) لذا می‌فرماید: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ». (یونس: ۳)

سید قطب از متفکران جهادی مسئله اساسی در مبحث توحید را توحید ربوبی می‌داند؛ توحیدی که شامل حاکمیت و قانون‌گذاری و تشریح می‌شود و از مقتضیات رسیدن به توحید الوهی است. الوهیت به معنای اثبات وجود خدا در فطرت تمام انسان‌ها نهفته شده و جای هیچ بحث و تردیدی نیست. ولی توحید الوهی به معنای اینکه فقط باید او را پرستش کرد، از مقتضیات توحید ربوبی و حاکمی است که اگر اثبات شود، توحید الوهی نیز خود به خود اثبات می‌شود. (قطب، ۱۴۱۲: ۳/۱۸۲۳)

سلفیه جهادی، به نوعی انحصارگرایی افراطی مذهبی رو آورده‌اند که بر اساس آن خود را مؤمن واقعی و اهل توحید پنداشته و دیگران را خارج از دایره اسلام تصور کرده و به تکفیر آنها پرداخته‌اند.

پیامدهای قرائت توحیدمحورانه سلفیه جهادی

یکی از اساسی‌ترین قرائت توحیدی جهادیون از بین بردن امنیت توحیدی ناب است جریان‌های سلفیه جهادی با قرائت خاص از توحید در خاورمیانه و ایجاد مصادیقی همچون جنبه النصر، داعش، القاعده و التحریر و...، نقش بسیار مهمی در دنیای اسلام و شیوع اسلام هراسی در جوامع غربی و حتی جوامع اسلامی دارند. مهم‌ترین پیامدهای این اندیشه دو بخش درونی و بیرونی قابل تقسیم است.

پیامدهای درونی

۱. توسعه معنایی و مصداقی شرک

توحید از اصلی‌ترین مبنای فکری سلفیه جهادی است، با قرائت توحیدی متفاوت موجب توسعه معنایی و مصداقی کفر و شرک در جامعه اسلامی شده است. این اندیشه تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در پی آن هر گونه عقیده، عمل و یا حرکتی از فرد مسلمان، منجر به کافر شدن و شرک به خدای یگانه است. شرک و کفر نزد سلفی‌های پیشین، بیشتر مربوط به عبادات و عقاید فردی و نیز توسل به اولیا، نذر، شفاعت، زیارت قبور و ... بود؛ ولی شرک و کفری که سلفی‌های جهادی به آن معتقدند و از آن به «کفر جدید» تعبیر می‌کنند، تقریباً همه شئون زندگی شخص را در برمی‌گیرد. توحید عملی در نگاه جهادی جایگاه خاصی دارد و اهمیت فراوانی به آن داده شده است؛ به طوری که سید قطب، توحید نظری را بدون توحید عملی، اصلاً توحید نمی‌داند و آن را شرک می‌خواند. (قطب، ۱۴۱۲: ۳۴۸/۱)

خداوند متعال به پیامبر (ص) می‌فرماید: به مشرکان هم امنیت بده: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ...» (توبه: ۶)؛ اگر یکی از مشرکان از تو امان خواهد، وی را ایمنی ده تا کلام خدا را بشنود، پس او را به جای امنش برسان».

اسلام آیین رحمت و مهربانی است و می‌بینیم تا چه اندازه به تحمل، مدارا و آرامش سفارش می‌کند. جامعه مسلمین باید حتی با مشرکان تا زمانی که خطری برای جامعه و رفاه عمومی ندارند، مهربان باشند.

۲. عمل‌گرایی محض و افراطی

از پیامدهای دیگر اندیشه جهادی، عمل‌گرایی افراطی است؛ به طوری که عملاً راه دعوت به توحید را بسته و تنها راه اقامه توحید را از بین بردن انسان‌های بی‌گناه می‌دانند. این گروه پا را از این هم فراتر گذاشته و قتل عام انسان‌ها را به علت متعرض بودن در اندیشه توحید یوابع می‌شمارند؛ آنها تنها راه دعوت به توحید را جهاد می‌دانند. بدیهی است که این روش، منجر به انسداد راه دعوت به اسلام است. در قرآن به این مطلب اشاره

شده که اجباری در دین نیست؛ آنجا که می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶) در کتب روایی شیعه و اهل سنت مانند: وسایل الشیعه و سنن ترمذی، بابی وجود دارد که دعوت به اسلام قبل از قتال را واجب می‌داند. (ر. ک: حَزَّ عَامِلِي، ۱۴۱۶: ۱۵، ح ۱۹۹۵۱ تا ۱۹۹۵۴؛ ترمذی، ۱۴۲۶: ۳/۵۳)

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) قبل از شروع جنگ، دعا می‌خواندند و می‌فرمودند: «با مردم مدارا کنید و به آنان فرصت دهید و هرگز قبل از دعوت بر ایشان متازید ... که اگر مردم مسلمان شوند و نزد من آورید خوش‌تر دارم تا این که زن‌ها و فرزندان‌شان به صورت اسیر نزد من آورده و مردانشان را بکشید». (الصالحی الشامی، ۱۴۱۴: ۶/۷)

رسول خدا (ص) می‌فرماید: با نام خدا بجنگید و کودکان را نکشید. وقتی که به دشمن رسیدی او را به سه چیز فراخوان. هر کدام را که انتخاب کرد از او بپذیر و رهایش کن، او را به اسلام دعوت کن، اگر پاسخ مثبت داد، قبول کن و رهایش کن. سپس او را دعوت کن تا از سرزمین خود به دیار مهاجرین رود و هر چه برای آنان از سود و زیان است، برای او هم مقرر است. در غیر این صورت به او اعلام کن که همانند دیگر مسلمانان عرب است و حکم خدا بر او اجرا می‌شود و غنایم سپاه اسلام به او تعلق نمی‌گیرد. اگر قبول کرد رهایش کن و گرنه با او درباره جزیه مقاتله کن، اگر پذیرفت که جزیه بدهد، او را رها کن، در غیر این صورت از خداوند استعانت بجوی و با او بجنگ. (النسائی، بی‌تا: ۵/۲۳۳)

همچنین می‌فرماید: در جنگ، شیوخ ناتوان از جنگ را بکشید و نوجوانان ایشان را زنده نگه دارید و زن‌ها و اسیران را نکشید. (سجستانی، بی‌تا: ۱/۶۰۳) در حالی که سلفیه جهادی، فرقی بین کودک و غیر کودک نمی‌گذارد و با ایجاد رعب و وحشت آنها را با بدترین شکل به قتل می‌رساند.

۳. عدم رعایت قواعد جنگ

در اثر انحصار توحید در نوع عملی آن، (فقط از راه جهاد) قواعد جهاد در اندیشه اسلام حذف می‌شود. به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، جهاد در اسلام وقتی واجب می‌شود که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرد (جهاد تدافعی).

جهاد همچنین قواعد خاصی از جمله عدم کشتار غیر نظامیان دارد. اگرچه در کشتار مردم عادی و نظامی بین جریان‌های جهادی اختلاف است؛ اما در اصل مبنای فکری تمام گروه‌های جهادی در کشتار یکسان است و آن هم تکفیر و مهدور الدم خواندن همه مسلمانان است. به عنوان مثال «گروه مسلح اسلامی» در الجزایر که گروهی تکفیری است، در جنگ‌های داخلی آن کشور از کشتار ده هزار انسان غیر نظامی بی‌گناه حمایت کرد. اما گروه «جبهه آزادی‌بخش اسلامی» که سلفی است، فقط کشتار افراد دولتی را مجاز دانستند. عبدالسلام فرج با استناد به آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» (بقره: ۲۱۶)، تنها راه اقامه توحید را قتل می‌داند و با جهاد دفاعی به شدت مخالف است. (رفعت، ۱۹۹۱: ۳۶)

۴. ایمان اجباری

در اندیشه سلفیه جهادی توحید یک امر اجباری است و هر اندیشه مخالف سلفیه جهادی باید از بین برود و جان و مال و ناموس او در امان نیست. توحید در اسلام حقیقی کاملاً اختیاری است و ایمان اجباری پذیرفته نیست. چنانچه قرآن می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶). در نگاه سلفیه جهادی، حکم بر اساس احکام الهی به معنای یگانه قرار دادن خداوند در اطاعت است و اجرای اوامر الهی اقتضای ربوبیت دارد. اعطای این حق به غیر خدا شرک است. (الصاوی صلاح، ۱۴۱۴: ۹) در صورتی که در جامعه توحیدی سلفیه جهادی، امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، حقوقی، قضائی و... برای مخالفان این اندیشه معنایی ندارد.

در جامعه توحیدی اگر توحید به درستی تفسیر شود، در پذیرش ایمان اختیار مطرح است، نه اجبار؛ اما سلفیه جهادی، توحید اجباری را دنبال کرده و می‌گویند ایمان یک امر اجباری است. در نگرش جهادی دعوت و ارشاد جای خود را به ارباب، وحشت، ترس و برخورد قاطعانه و خشن داده است. به همین دلیل است که وقتی جامعه‌ای در سایه قرائت غلط از توحید، امنیت ایمانی را از دست داد، آن جامعه نفوذپذیر خواهد بود.

پیامدهای بیرونی

۱. ترویج خودکشی

جهاد در دین اسلام به عنوان جهاد دفاعی و برای جلوگیری از تجاوز به جان و ناموس و در مقابل کفار و مشرکان می‌باشد، در حالی که سلفی‌های جهادی، جهاد با هر کسی که به قرائت توحیدی آنها اعتقاد ندارد را در راستای جهاد دانسته و جنگ با آنها را واجب و خون آنان را هدر می‌دانند. از این رو برای رسیدن به اهداف خود از راهکارهای مخالف عقل و دین از هر عملیات تروریستی و انفجار مانند خودکشی استفاده می‌کنند. آنها در سایه قرائت توحیدی خود خودکشی را در قالب جهاد تجویز می‌کنند. همین وجه شرعی دادن به خودکشی یکی از پیامدهای بیرونی دیدگاه جهادیون است که منجر به ناامن شدن دنیای اسلام می‌شود، ثمره این اندیشه ترویج خودکشی (عملیات انتحاری) بین بی‌خبران به ظاهر مسلمان است. در اسلام، مسیحیت و یهودیت، خودکشی به هر علت و وجه، گناهی نابخشودنی است. در حالی که تکفیری‌ها، عملیات انتحاری برای کشتن دشمنان خدا را شهادت می‌دانند و افرادی را که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند، شهیدانی می‌دانند که مستقیم وارد بهشت می‌شوند. (مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳)

۲. یکسان انگاری موحد با تروریسم

سلفی‌های جهادی با انحصار توحید در قرائت خود، قتل عام و ترور هر انسان مخالف اندیشه خود در توحید را مجاز می‌دانند. در همین راستا با وجود مخالفت گروه‌های اسلام‌گرا با تروریسم، در ادبیات سیاسی غرب، شاهد یکسان دانستن جریان‌های اسلام‌گرا با تروریسم هستیم؛ اسلام‌هراسی نیازمند ارائه مدل اسلام‌خشن در دنیا است که آن را نامعقول جلو دهد و جهادیون همچون القاعده و طالبان و داعش و... از جمله گروه‌های مدعی اسلام به زعم خود حقیقی هستند که از دل قرائت توحیدی سلفیه جهادی قد علم کرده است. به عنوان مثال، روزنامه واشنگتن پست در یک گزارش، با نمایش اقدامات خشونت طلبانه گروه‌های تکفیری، چهره‌ای خشن و ناهنجار از مسلمانان و اندیشه‌های آنان تحت عنوان «گردن زدن و خشونت وحشتناک» معرفی کرده است.^۱ Washington post (JUNE 31,4102)"beheadings and the success of horrifying violence

- Available at: [http:// www. was. hingt. onpost. com/ news/ morning - of - success - the - and - beheadings - mix/ wp/ 4102/ 6/ 31/ isis - violence - horrifying](http://www.was.hingt.onpost.com/news/morning-of-success-the-and-beheadings-mix/wp/4102/6/31/isis-violence-horrifying) این تلقی یکسان‌انگاری موحد و تروریسم ناشی از قرائت سلفیه جهادی از توحید است.

۳. عدم تحقق تمدن اسلامی

تمدن اسلامی با گسترش افکار و اندیشه‌های صلح‌آمیز و انسان‌دوستانه در همه جوامع شکل گرفته و با پیشرفت خود، موجب رشد انسان در ابعاد فردی و اجتماعی می‌شود. همان‌گونه که رسول خدا (ص) عمل نمود و با رحمت و مهربانی منحصر به فردش، قلوب همه قبایل و ملل را از آن خود کرد؛ تمدن اسلام در زمان رسول الله (ص) به مدت کوتاهی گسترش فوق‌العاده‌ای داشت و مرزهای امپراطوری‌های بزرگ آن زمان را درنوردید؛ اما متأسفانه نگرش توحیدی جهادیون، موجب از بین رفتن هرگونه رحمت و عطف در جامعه اسلامی شده است. به گونه‌ای که به علت ناامنی روزافزون، هر روز شاهد جبهه‌گیری دشمنان اسلام در مقابل این دین رحمت و عطف هستیم. نگرش سلفیون جهادی نه تنها موجب رشد و تحقق تمدن اسلامی - به زعم خودشان - نمی‌شود، که با ایجاد ناامنی و وحشت، موجی از اسلام‌هراسی و بدبینی در عالم ایجاد کرده است. یکی از آثار عقاید توحیدی، همان‌گونه که از نامش پیداست، ایجاد تمدن متحد و یکپارچه است؛ اما نشر و گسترش عقاید ناصواب توحیدی سلفیه جهادی، جامعه را از هم گسسته و با سعایت استعمارگران (مخالفان همیشگی ادیان)، راه رسیدن به تمدن اسلامی را می‌بندد. (نظرپور، ۱۳۹۱)

نتیجه گیری

سلفیه جهادی گروهی منحرف از اسلام هستند که با ارائه تفسیر و قرائتی ناصواب از حقیقت توحید سبب پیدایش جنگ و کشتار و ایجاد تفرقه بین مسلمانان شده است. این گروه با قرائت افراطی از توحید چهره رادیکال و کریه از اسلام ناب محمدی ارائه کرده است. سلفیه جهادی با توجه به این اصل مسلم اسلامی به تکفیر حاکمان کشورهای اسلامی، معذوریت جاهلان به توحید، تکفیر قائلین به دموکراسی، تکفیر سکولارها، تکفیر بی نمازها، تکفیر یاری کنندگان کفار و شیعیان را تکفیر می کنند. بررسی دیدگاه بزرگان سلفیه جهادی نشان می دهد که اندیشه توحیدی آنان آثار مخرب و پیامدهای امنیتی - دفاعی ناگواری را در پی داشته است. پیامدهای امنیتی - دفاعی این تفکر رادیکالی در یک نگاه کلی به دو بخش پیامدهای درونی و پیامدهای بیرونی تقسیم می شود. پیامدهای درونی عبارتند از: توسعه معنایی و مصداقی شرک، عمل گرایی محض و افراطی، عدم رعایت قواعد جنگ و ایمان اجباری؛ و پیامدهای بیرونی آن عبارتند از: ترویج خودکشی، یکسان انگاری موحد با تروریسم و عدم تحقق تمدن اسلامی.

فهرست منابع

قرآن مجید.

۱. ابن منظور، لسان العرب، تحقیق: سید جمال الدین میردامادی، دارالفکر-دارصادر بیروت، ۱۴۱۴ ق، چاپ سوم.
۲. أبو البراء، أحمد، الحكم بغير ما أنزل الله، الجماعة السلفية للدعوة والقتال، بی جا، ۱۴۲۱ هـ.
۳. ابوقتاده فلسطینی مجله نداء الاسلام، بی تا، بی جا.
۴. اسپوزیتو، جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه شجاع احمدوند، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹، چاپ هفتم.
۵. بابی سعید، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام گرای، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها- موسی عنبری، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، نوبت دوم.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۶ م.
۷. جمشیدی‌راد و محمود پناهی، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۱.
۸. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج الغه و الصحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بی تا، بی جا.
۹. حرّ عاملی، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل لیبیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
۱۰. حمیری، عیسی بن عبد الله، تصحیح المفاهیم العقیدیه فی الصفات الالهیه، قاهره: دار السلام، ۱۹۹۸ م.
۱۱. دروس شیخ سلمان العوده، بخش ۱۳۶، در: www.net
۱۲. رفعت، سید احمد، النبی المسلّح، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، ۱۹۹۱ م.
۱۳. زرقاوی، أبو مُصعب، الأرشیف الجامع لکلمات و خطابات أسد الإسلام چاپ اول. ۲۰۰۶ م.
۱۴. الساعدی الشامی، جابر بن عبد القیوم، تحقیق التوحید بالبراءة من أهل الشرك و التندیّد، بی جا، بی تا،
۱۵. سوری، ابو مصعب (عمر عبد الحکیم)، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، بی جا، بی تا، ۱۴۲۵ هـ / ۲۰۰۴ م.

۱۶. شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبد الکریم بن ابی بکر، الملل والنحل، بیروت: دار المعرفه، ۱۹۹۳ م.
۱۷. الصاوی صلاح، تحکیم الشریعه وصلته باصل الدین، القاہرہ، ۱۴۱۴، دارالاعلام الدولی.
۱۸. عبدالرحیم علی، حلف الارهاب تنظیم القاعدة من عبدالله عزّام إلى أيمن الظواهری، مرکز المحروسة، چاپ دوم، [بی جا] ۲۰۰۵ م.
۱۹. قطب، سید، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. قطب، سید، خصائص التصور الاسلامی، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۸.
۲۱. قطب، سید، معالم فی الطریق، قاہرہ: الاتحاد الاسلامی العالمی، بی تا.
۲۲. مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۰ جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (عليهم السلام) - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۳ ه.ش.
۲۳. محمد بن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی والرشاد، فی سیرة خیر العباد، و ذکر فضائله وأعلام نبوته وأفعاله وأحواله فی المبدأ والمعاد، تحقیق وتعلیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، عدد الأجزاء: ۱۲، [ترقیم الكتاب موافق للمطبوع وهو مذیل بالحواشی].
۲۴. مدخلی، ربیع، اضواء اسلامیه علی عقیده سید قطب، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۵. مقدسی، ابومحمد، التوحید و جهاد، از سایت منبر التوحید والجهاد.
۲۶. مودودی، ابوالاعلی، مرزهای عقیده، ترجمه: سید جواد هشترودی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸.
۲۷. نظریور، رضا، عقل و تعقل در اندیشه امام خمینی در تقابل با خرافه، چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۱.

28. Washington post (JUNE 31,4102)"beheadings and the success of horrifying violence Available at: <http://www.washingtonpost.com/news/morning-mix/wp/2014/06/31/isis-beheadings-and-the-success-of-horrifying-violence>.

